



۱۷۷

بہائیان از زبانِ خودشان

(به نقل از « سایت رسمی دیانت جهانی بهائی »)

<http://www.bahai.org/persian/>

دین بهائی

اصول و تعالیم حضرت بهاءالله

حضرت باب ۱۸۵۰ - ۱۸۱۹

حضرت بهاءالله ۱۸۱۷ - ۱۸۹۲

تعالیم حضرت بهاءالله

حضرت عبدالبهاء ۱۸۴۴ - ۱۹۲۱

اتحاد بہائیان ولایت امر

بیت العدل اعظم

مرکز جهانی بهائی مرکز جهانی بهائی: کانون جامعه بین‌المللی

رفاه اجتماعی و اقتصادی

مشرق الاذکارهای بهائی



جمعی از بهائیان از نقاط
مختلف جهان

امر بهائی جوانترین دین از ادیان مستقل جهان است و تجدید دین از اصول این آئین است زیرا در هر زمان مقتضیات جامعه بشری تغییر میپذیرد و در هر عصری دینی جدید موافق با مقتضیات جهان و نیازمندی جهانیان ظاهر میگردد. بهائیان معتقدند که حضرت بهاءالله، بنیانگذار امر بهائی (۱۸۱۷-۱۸۹۲) جدیدترین فرستاده الهی در سلسله پیامبران پیشین چون حضرت ابراهیم، موسی و بودا و زردشت و مسیح و بالاخره حضرت محمد است و رسالتش برای ایجاد تمدنی جدید و جهانی است که بشر در این زمان بدان نیازمند است.

محور تعلیم پیام بهائی وحدت عالم انسانی است یعنی وقت آن آمده است که بشر از هر قوم و نژادی به یگانگی رسند و همه در ظل یک جامعه جهانی درآیند. حضرت بهاءالله فرموده است که خداوند بیمانند نیروهائی را در جهان بکار گماشته است تا آنچه را که بر حسب سنتهای پیشین سبب جدائی و اختلاف میان اقوام و طبقات و ادیان و ملل عالم گشته است از میان بردارد و مهمترین کاری که امروز بشر باید بان پردازد وحدت عالم انسانی و تلاش و کوشش در راه اتحاد و اتفاق اهل عالم است.

یکی از اهداف و مقاصد دین بهائی بذل و همت و مساعدت در این مسیر است. از این روی امر بهائی جامعه‌ای جهانی مرکب از قریب به ۵ میلیون نفر از اکثر ملل و نژادها و فرهنگهای جهان بوجود آورده و تعلیم حضرت بهاءالله را در آن جامعه تجسم بخشیده است. آزمایشی که بهائیان در این راه کرده‌اند سبب تشویق کسانی است که از همان راه می‌پویند و نوع انسان را اعضاء یک خاندان و کره زمین را یک وطن میدانند.

اصول و تعلیم حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله ما را بوجدانیت پروردگار تعلیم داده یعنی که خدا یکی است و اوست که پی در پی اراده خویش را در ظهور پیغمبران در هر زمان بر نوع انسان ظاهر ساخته است. و پیغمبران نیروی اصلی در تمدن بشری در طول تاریخ بوده‌اند. پیامبران آسمانی واسطهء بین خدا و خلق‌اند و با آنکه از یک منشأ برای تربیت و ترقی نوع بشر آمده‌اند، مردمان جهان ادیان را بکلی جدا از یکدیگر می‌دانند ولی در نظر بهائیان مقصد جمیع فرستادگان یزدانی یکی است و آن رساندن بشر به بلوغ روحانی و معنوی او است.

حال زمان ما زمانی است که انسان بمرحله بلوغ وارد گشته و وحدت خاندان بشری و بنای جامعه‌ای جهانی و صلح عمومی امکان پذیر شده است. برای وصول به هدف وحدت عالم انسانی از جمله تعلیمی که امر بهائی ترویج میکند عبارت است از:

- ترک جمیع تعصبات
- تساوی جمیع حقوق و امکانات برای زن و مرد
- اعتقاد به وحدت ادیان و باینکه حقائق دینی نسبی هستند نه مطلق
- تعدیل معیشت و از میان بردن افراط و تفریط در فقر و ثروت
- تعلیم و تربیت عمومی جهانی
- تحریر حقیقت یعنی هر کس خود باید بجستجوی حقیقت پردازد و از تقلید دست بردارد
- ایجاد جامعه متحدالمنافع جهانی
- دین باید با علم و عقل مطابق باشد



حضرت باب ۱۸۵۰ - ۱۸۱۹



در ۲۳ ماه می ۱۸۴۴ در شهر شیراز در ایران جوانی که ملقب به باب بود اعلان کرد که پیغمبر الهی که همه جهان در انتظارش هستند ظاهر خواهد شد. لقب باب از این جهت است که اگر چه حضرت باب خود مظهر مستقل الهی بود اعلان فرمود که مقصد اصلیش آنست که مردم را برای ظهور کلی الهی بعد از خود آماده نماید. حضرت باب پس از این اعلان بزودی دچار عذاب و ایذاء روحانیون مقتدر اسلامی گردید. دستگیر و مضروب شد و بزندان افتاد و بالاخره کمتر از شش سال بعد در ۹ جولای ۱۸۵۰ در میدان عمومی شهر تبریز مقتول شد و ۲۰ هزار از پیروانش نیز طی کشتارهای متعدد در سراسر ایران بقتل رسیدند و حال بنای باشکوهی با گنبد زرین در کوه کرمل مشرف بر خلیج حیف و محاط به گلزارهای زیبا بنام مقام اعلی ساخته شده است که جسد مظهر حضرت باب را در آغوش گرفته است.



نمایی از آرامگاه حضرت بهاءالله (روضه مبارکه)
در نزدیکی عکا، اسرائیل



اطاق فوقانی منزل سید علی محمد
شیرازی ملقب به باب در شیراز. مکانی
که در ماه می ۱۸۴۴ در آن رسالت
خویش را برای نخستین بار اعلام
فرمودند. (محل اظهار امر حضرت باب)

حضرت بهاءالله ۱۸۱۷ - ۱۸۹۲

بنیان‌گذار آئین بهائی

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در خانواده‌ای از نجباء و اشراف ایران تولد یافت خاندانش بسیار ثروتمند و صاحب ضیاع و عقار بودند و نسب صحیحشان به پادشاهان ساسانی میرسید. حضرت بهاءالله از داشتن مقامی در دربار آنزمان استنکاف ورزید و از همه ثروت و مزایایی که داشت چشم پوشید، در عوض مشهور به سخاوت و مهربانی شد و محبوب هموطنانش گشت و چون حضرت بهاءالله حمایت خویش را از آئین حضرت باب اعلان فرمود طولی نکشید که تمام مناصب و امتیازاتش را از دست داد و در طوفانی که پس از اعدام حضرت باب در ایران برخاست



از همه ثروت و مال دنیا محروم و خود نیز دچار شکنجه و آزار و گرفتار زندان شد. سپس چند بار او را تبعید نمودند. اولین تبعیدش به بغداد بود که در سال ۱۸۶۳ از همان شهر حضرت بهاءالله خود را موعود بیان اعلان فرمود. از بغداد حضرت بهاءالله را به استانبول و از آنجا به ادرنه و بالاخره به عکا تبعید نمودند. عکا در اراضی مقدسه بود و حضرت بهاءالله بعنوان یک زندانی در سال ۱۸۶۸ وارد آن شهر گردید.



از ادرنه سپس از عکا حضرت بهاءالله نامه‌های متعددی خطاب به ملوک و سلاطین زمان خویش صادر فرمود. این الواح در تاریخ ادیان بی‌نظیر و از اسناد بسیار مهم و پر عظمتی است که در آن حضرت بهاءالله اعلان فرمود که تمدنی جهانی در شرف تکوین است و زمانش فرارسیده که اهل عالم بسرپرده وحدت و یگانگی درآیند و به شاهان و امپراطورها و روسای جمهور در قرن نوزدهم نصیحت کرد که از اختلافات خویش دست بردارند و تسلیحات خویش را بحد اقل رسانند و در عوض کوشش و امکانات خویش را صرف ایجاد صلح عمومی نمایند.

درگذشت حضرت بهاءالله در بهجی در شمال عکا واقع شد و مزارش در همان جا استقرار یافت. تعلیمش کم کم از مرز خاورمیانه بیرون میرفت و در نقاط دیگر منتشر میشد. روضه مبارکه‌اش امروز قبله جامعه جهانی بهائی است.

سلول زندان حضرت بهاءالله در عکا، اسرائیل

تعالیم حضرت بهاءالله



حضرت بهاءالله حیات انسانی را چنین می‌خواهد که در روابط گوناگون بشری مفاهیم و تعاریف جدیدی بوجود آید. یعنی روابط بین خود انسانها - بین انسان و طبیعت - بین فرد و جامعه و بین اعضاء جامعه و تشکیلاتش. هر یک از این روابط را باید در پرتو شناسائی اراده و مقصد الهی سنجید و معین کرد. از این روی حضرت بهاءالله مفاهیم و قوانین بدیعی اعلان فرمود تا وجدان انسانی را از قید روش و سنتهای گذشته برهاند و بشر را در بنیان تمدنی جهانی مدد بخشد. درباره «حیات جدید» میفرماید: «جميع اهل ارض در این عصر در حرکتند.»^۱

چون محتوای پیام حضرت بهاءالله به شئون روحانی و اجتماعی هر دو تعلق دارد، تعلیمش از دین مفهوم دیگری را عرضه میکند. اگر مراد از دین معنای عرفی معمولش باشد نمیتوان گفت که حضرت بهاءالله مؤسس دین جدیدی بمعنای معهود دین است زیرا حضرت بهاءالله پیامبر تمدن و تحول عموم نوع بشر است - "مبدأ عصری جدید جهانی در تاریخ انسانی است."^۲ پیامش از جمیع مقولات دینی والاتر و برتر است. مقصدش از وحدت عالم انسانی فقط تحکیم پیوند همبستگی نوع انسان نیست، فقط حمایت از حقوق بشر و تأسیس صلح عمومی نیست، بلکه مقصدش آن است "که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیکی) صورت پذیرد که شبیهش را چشم عالم ندیده است."^۳ نسخه‌ای که حضرت بهاءالله برای درمان دردهای جهانیان و تجدد معنوی ماهیت انسان عطا میکند بی‌نظیر و عملی و در عین حال عمومی و جهانی است.

در این زمانه که تمدن بشری زمام روحانی و اخلاقیش را که سبب پیوند روابط انسانی است از کف داده است، تعلیم حضرت بهاءالله روح یک فرد انسان را از عالم خاک به جهان پاک مرتبط می‌سازد و بر سرنوشت کلی نوع انسان پرتوی تازه می‌افکند و شوق درونی بشری به عالم بالایش میکشاند. حضرت بهاءالله چنین تعلیم میدهد که پروردگار مهربان جهان را با "گل عشق" آفریده و در دل هر کس "جوهر نور" و "آئینه جمال" خویش را بودیعت نهاده است.^۴ حال نوع انسان به آستانه فجر بلوغ رسیده است که در آن باید «مقام و رتبه و شأن هر انسانی در این یوم



موعود ظاهر شود»^۵ و فرمود که ظهورش «روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا»^۶ گردید.

چنانکه در آثار حضرت بهاءالله مکرر بتأکید آمده است، نخستین مقصد پروردگار از گسیل مظاهر ظهورش آن بوده و هست که حیات روحانی و مادی جامعه بشری را دگرگون سازد:

مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّ و جهرّ، ظاهراً و باطناً، چه اگر بهیچوجه امورات ارض تغییر نیابد ظهور مظاهر کلیه لغو خواهد بود.^۷

حضرت بهاءالله مانند سایر پیامبران عظام چون حضرت ابراهیم، بودا، مسیح، محمد و سایرین که از قبل ظاهر گشتند در عمیقترین ریشه عواطف انسانی کاویده و زمینه تازه‌ای در اخلاق و خردمندی و ترقیات فرهنگی آفریده است. پروردگار میفرماید، "ترا بلند پایه آفریدم ... پس برخیز و بسوی آنچه از برایش آفریده شده‌ای برآ." ^۸ حضرت بهاءالله می‌فرماید که: «عباد از برای اصلاح و الفت و اتحاد از عدم بوجود آمده‌اند.»^۹ و تأکید فرموده که: "صبحتان را از شامتان برتر و امروزتان را از دیروزتان بهتر سازید... فضل انسان در خدمت و کمال است نه در زینت و ثروت و مال... از سستی و کاهلی پرهیز کنید و بر آنچه سبب سود انسان از پیر و جوان است دست یازید." ^{۱۰}

تحولّی که حضرت بهاءالله اراده تعلیم فرموده است از طرفی مربوط به حیات باطن و خلق و خوی هر یک از افراد بشر است و از طرف دیگر مربوط به سازمان جامعه است که مستلزم همکاری و شفقت و حسن اخلاق و عدل و انصاف است. حضرت بهاءالله در تشبیه ترقیات روحانی به رفتار فردی چنین فرموده: «فتح مدائن قلوب به جنود اخلاق و اعمال مقدر»^{۱۱} و به مردم جهان نصیحت چنین کرد که، "وجود خود را بنور امانت" و "حلیه امانت" و "پرچم سخاوت" مزین سازند.^{۱۲} خدمت بعالم انسانی هم باید هدف حیات فردی و هم هدف نظامات اجتماعی باشد: «به خود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید.»^{۱۳} و در ادامه فرمود: «سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول احکام الهی.»^{۱۴}

حضرت بهاءالله بوضوح تمام جنبه روحانی انسان را با جنبه عملی او مرتبط دانسته است. ساختن بنیان اجتماعی که ترقی فرد و امکانات جمعی بشر هر دو را داشته باشد و بر استعدادهای عقل و روح مردمان بیفزاید – در تعلیم حضرت بهاءالله بتأکید تمام مذکور گشته است. فرموده است که «جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند.»^{۱۵} وصول به «علم و عرفان و معانی و بیان» باید مرکز مجهودات انسانها باشد.^{۱۶} اشتغال به هنر و حرفه و علم و فنون «سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است.»^{۱۷} اما «در جمیع امور باید رؤسا باعتدال ناظر باشند چون هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود.»^{۱۸}

همچنانکه جهان مادی محتاج قوه خلاقه اشعه خورشید است نیروی روح انسان نیز موکول به مقابله‌اش با انوار الهی و قوه خلاقه ظهور الهی است و اوست که قوای روحانی و اخلاقی و عقلانی را که در ذات انسان مکنون است بمنصه ظهور میکشاند و اگر این قوه الهی نبود ذات انسان اسیر غرائز جسمانی و معارف شیطانی میشد. از این رو حضرت بهاءالله احکام و تعلیمش را "باده ناب سربمهری" تشبیه میفرماید که "در جمیع اشیاء سریان یافته حیات جدیدی بآنها میبخشد." ^{۱۹} آن اوامر "چراغهای" هدایت کننده به "عنایت الهی" و "کلیدهای" به باب "رحمت" پروردگار است.^{۲۰}

در انسان که اشرف مخلوقات است استعدادی نهفته است که میتواند صفات الهی را در خود منعکس سازد و در روح هر یک از آدمیان نشانی از آفریننده جهان نقش بسته است. حضرت بهاءالله میفرماید: "روح آیت و نشانی از پروردگار و گوهری آسمانی است که هوشمندان جهان از عرفان حقیقتش عاجزند و هر دانائی از اسرارش بی خبر." ^{۲۱} فقط زمانی که انسان از طبیعت روحانی خویش آگاه گردد بشناسائی خداوند تواند رسید: "به مقامی واصل خواهد شد که در کینونت هر کس خلق و بودیعت نهاده شده تا بمعرفت نفس خویش فائز گردد." ^{۲۲} تحرّی و جستجوی حقیقت تنها حق مسلم یک فرد انسان نیست بلکه تکلیف هرکس است که خود در پی حقیقت جوئی باشد و چون کمالات الهی نامتناهی است ترقی نفس ناطقه آدمی نیز ابدی است و ترقی روح منوط است باینکه در زمان حیاتش در این عالم فانی چگونه از زندگی بهره گرفته است. دارا شدن صفات روحانی از قبیل فروتنی،



مهربانی، بردباری، شفقت، امانت و سخاوت روح انسانی را در سفرش بسوی انوار حق تعالی آماده میسازد. در تأیید این مطلب حضرت بهاءالله میفرماید: "بدان روح بعد از جدائش از بدن همچنان ترقی مینماید تا در محضر الهی بصورتی در آید که آنرا گذشت قرون و اعصار و حوادث عالم تغییر ندهد و بدوام ملکوت الهی باقی و جاودان بماند."^{۲۲}

حضرت بهاءالله میفرماید: "جميع احزاب بافق اعلی متوجهند و بامر حق عامل" و بدین ترتیب جمیع اهل عالم از هر قوم و مذهب مبدأ فیضشان یکی است و همه بندگان خدای واحدند.^{۲۳} از این روی همه بنیان گذاران ادیان یعنی حضرت موسی و زردشت، بودا و کریشنا، عیسی و محمد همه در ذات و مقصد یکی هستند و در ظهورات پی در پی شان مجموعاً در وجدان آدمیان تأثیرات فراوان گذاشته اند. هر پیغمبر بعدی میزان بالاتری از حقائق روحانی را بعالم عرضه داشته است زیرا استعداد بشر در قبول آن حقائق جدید بیشتر گشته است. هر چند حقائق اصلی روحانی در همه ادیان ثابت و مداوم است اما پیامبران و مظاهر ظهور الهی در هر عصری تعالیم اجتماعی را تغییر داده اند تا موافق با مقتضیات زمانشان باشد. خلاصه آنکه ادیان بزرگ جهان شرح و بیانهای گوناگونی از یک طرح الهی آورده اند که بتدریج تکامل مییابد--"دین تغییرناپذیر الهی، پایدار و ابدی در گذشته و در آینده."^{۲۴}

همچنانکه یک فرد انسان مراحل شیر خوارگی و کودکی و بلوغ را طی مینماید جامعه بشری نیز پیوسته پیوند محکمتری با خالق متعال می یابد و در حیات جمعی رو بترقی خود نیز مراحمی را میگذراند. مرحله امروز ما دوره ورود به مرحله بلوغ جمعی بشری است و در این مرحله بلوغ لازم میآید که تمام جهانیان خود را اعضاء یک خاندان دانند که در یک وطن جهان است زیست میکنند. حضرت بهاءالله اهل عالم را چنین خطاب میفرماید: "باتحاد توجه نمائید و بنور اتفاق منور گردید."^{۲۵} و تأکید میفرماید که "این اصلاح و راحت" عالم "ظاهر نشود مگر باتحاد و اتفاق."^{۲۶}

اتحاد عالم محور تعالیم حضرت بهاءالله است. مظاهر ظهور قبل هر یک در مسیر بلوغ روحانی و اجتماعی نشاطی تازه بخشیده اند و حال رسالت حضرت بهاءالله برای آن است که نیروهائی را برانگیزد تا جامعه جهانی پیوسته که با صلح و آرامش همراه باشد تحقق یابد. هر چند که توالی ظهورات الهی "تا ابد" ادامه خواهد یافت اما امروز بشر در سراسر کره زمین در سیر تکاملی روحانیش به مرحله نهائی سازمان اجتماعی وارد گشته است.^{۲۷} بفرموده حضرت بهاءالله، "این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابة بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابة نور است از برای ظلمت ایام."^{۲۸}

حضرت بهاءالله چون وحدت عالم انسانی را محور تعالیم خویش اعلان فرموده یک سلسله تعالیمی را نیز برای هدایت ترقیات آینده جامعه انسان بیان داشت از قبیل: ترک جمیع تعصبات زیرا بشر جنس واحد است و اینکه بگوئیم قومی و نژادی برتر از دیگر اقوام بشر است نادرست و موهوم است. زن و مرد در نزد خدا یکسانند و جامعه انسانی باید شئون خود را بنوعی نظم بخشد که حقیقت این تساوی در آن منعکس گردد. حضرت بهاءالله فرموده که دوره ای که در آن عدالت باید بر شئون بشری حکمفرما باشد فرا رسیده است و در آثار پنهانی تأکید شده است که جامعه انسانی مسئول است که عدالت اقتصادی را در همه جا و میان جمیع اجزاء مرکبه اش حکمفرما دارد. پدران و مادران مکلف بر تعلیم و تربیت کودکانند و جامعه مسئول است که وسائل تعلیم و تربیت عمومی را فراهم سازد. هر انسانی باید "خود به جستجوی حقیقت پردازد و با چشم خویش مشاهده نماید نه با دیده دیگران" تا خود مستقلاً حقیقت را دریابد.^{۲۹} انسان باید از سرچشمه علم و دین هر دو بنوشد تا بمقامی رسد که بتواند با مشکلات جامعه امروز بشری مقابله نماید. تصمیم درباره امور باید با مشورت صورت گیرد زیرا «مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را بیقین تبدیل نماید»--از این روی مشورت وسیله مؤثری است برای ترقی اجتماعی مخصوصاً در نقاطی که ترقی کند و بطنی است.^{۳۰} لزوم ایجاد سازمان امنیت جمعی و تأسیس سازمانهای برای حکومت در سطح جهانی تا ثبات و صلح و سلام در روابط بین المللی تأمین گردد.

حضرت بهاءالله درباره زندگی و معنای زندگی و زندگی در عالم بعد به تفصیل بحث فرموده است و به افراد انسان که در پی دریافت معرفت روحانی اند و نیز به نوع بشر که نیازمند آرامش و هدایت و امید است توجه فرموده است. حضرت بهاءالله درباره تحول معنوی و روحانی جامعه و نجات مردم گوناگون جهان از بی عدالتی و رنج و سختی و پیدایش تمدن مترقی و متحد جهانی میفرماید که این همه نه تنها امکان تحقق دارد بلکه قطعاً شدنی است.



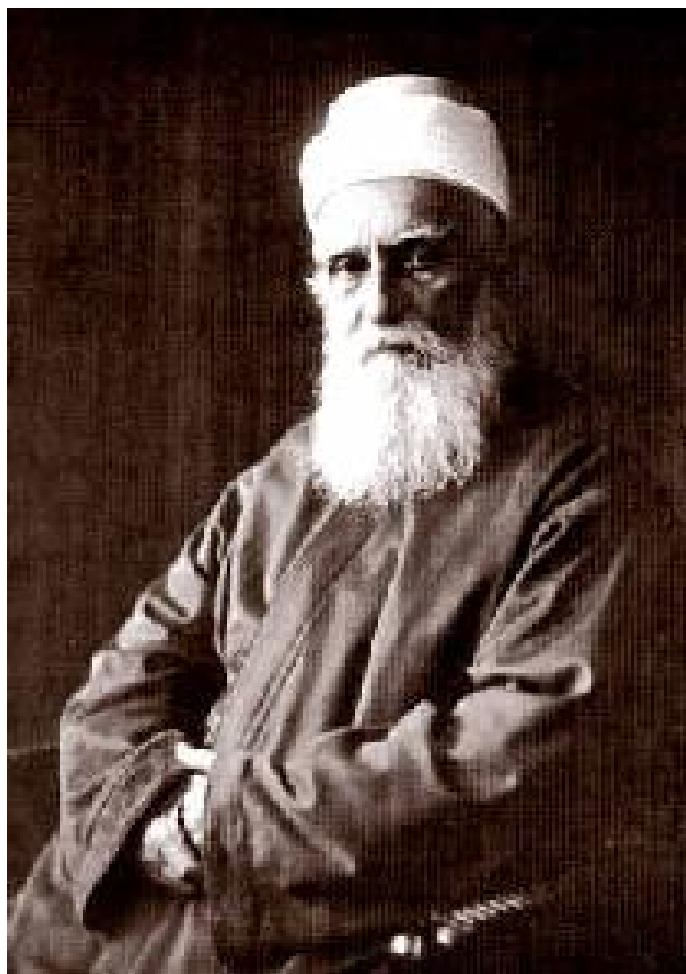
حضرت بهاء الله میفرماید: «امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است»^{۲۲} هر انسانی مشمول این فضل و عطا است و "اصل الیوم اخذ از بحر فیوضاتست."^{۲۳} اولین بار در تاریخ است که انسان بوحث گرائیده است. "خوشا بر تو ای زمین که قدمگاه کنیا گشتی و عرش عظیم الهی بر تو استقرار جست."^{۲۴} "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد. ان ربک لہو الحق علام الغیوب."^{۲۵}

یادداشتها

۱. حضرت بهاء الله، *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله* (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۴)، ص ۱۲۸.
۲. Bahá'í Publishing Trust, 1987), p. 93 :rev. ed. (Wilmette ,*God Passes By* ,Shoghi Effendi. (ترجمه).
۳. حضرت ولی امرالله، *نظم جهانی بهائی* (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۸۹)، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم، ص ۶۰.
۴. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاء الله، *کلمات مکنونه* (ریودوژانیرو: دالنشر البهائیه، ۱۹۹۵)، صص ۹، ۱۸.
۵. *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۲۱۹.
۶. *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۶۷.
۷. حضرت بهاء الله، *کتاب ایقان* (هوفمایم: مؤسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان، ۱۹۹۸)، صص ۱۶۰-۱۵۹.
۸. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاء الله، *کلمات مکنونه* (ریودوژانیرو: دالنشر البهائیه، ۱۹۹۵)، [کلمات مکنونه عربی شماره ۲۲] ص ۱۳.
۹. حضرت بهاء الله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۰. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاء الله، *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعظم* (ویلمت: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۷۸)، ص ۳۸.
۱۱. حضرت بهاء الله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۲. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاء الله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۳. *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعظم*، ص ۶۷.
۱۴. حضرت بهاء الله، *مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده* (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۰)، ص ۷۶.
۱۵. *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۴۰.
۱۶. حضرت بهاء الله، *اقتدارات* ص ۳۲۹.
۱۷. حضرت بهاء الله، *لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی* (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۲)، ص ۲۰.
۱۸. *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعظم*، ص ۱۴۰.
۱۹. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاء الله، *کتاب اقدس*، (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵)، فقرات ۵ و ۲.
۲۰. مآخذ اصل بیان عبری: *کتاب اقدس فقره ۳*.
۲۱. مآخذ اصل بیان عبری: *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعظم*، ص ۱۰۷.
۲۲. مآخذ اصل بیان عبری: *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعظم*، ص ۱۱.
۲۳. مآخذ اصل بیان عبری: *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۰۵.
۲۴. *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۴۱.
۲۵. مآخذ اصل بیان عبری: *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۹۳.
۲۶. مآخذ اصل بیان عبری: *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۴۱.
۲۷. مآخذ اصل بیان عبری: *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۸۳.
۲۸. مآخذ اصل بیان عبری: *منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله*، ص ۱۱۰.



۲۹. حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی (ویلمت: دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، ۱۹۸۵)، ص ۱۶۳.
۳۰. مأخذ اصل بیان عبری: مجموعهء الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمه الاعظم، ص ۳۶.
۳۱. حضرت بهاءالله، نقل شده در وعدهء صلح جهانی، ترجمه بیانیهء بیت العدل اعظم خطاب باهل عالم، (ویلمت: دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، ۱۹۸۵)، ص ۲۴.
۳۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲.
۳۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴.
۳۴. مأخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۸.
۳۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳.



حضرت عبدالبهاء ۱۸۴۴ - ۱۹۲۱

پسر ارشد حضرت بهاءالله نام مبارکش عباس بود که از زمان کودکی در مصائب و تبعیدهای پدر بزرگوارش شریک و سهیم بود. این فرزند ارجمند لقب عبدالبهاء را برای خود اختیار فرمود، پس از حضرت بهاءالله طبق وصیت آن حضرت مبین منصوص آثار و تعالیم و قائد جامعه بهائی شد و مثل اعلای حیات بهائی محسوب می‌شود.

هنگامیکه حضرت عبدالبهاء هنوز محبوس دولت عثمانی بود اولین گروه زائرین غربی در سال ۱۸۹۱ در شهر عکا زیارتش نائل گشتند. حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۸ از بند عثمانیان آزاد گردید. پس از آزادی از سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ به اروپا و امریکا مسافرت فرمود و از آنجا پیام حضرت بهاءالله را درباره اتحاد و عدالت اجتماعی در مجامع کلیساها - اتحادیه‌های کارگری - دانشگاهها و مصاحبه با خبرنگاران و ملاقات با مقامات دولتی و بسیاری دیگر از جمعیت‌های عمومی بگوش همه رسانید.

حضرت عبدالبهاء پس از آنکه امر بهائی را بر پایه‌ای مستحکم استوار فرمود و سبب انتشارش از شرق و غرب شد در سال ۱۹۲۱ از عالم رحلت نمود. مزارش در حجره‌ای در شمال مقام اعلی استقرار یافت که حال زیارتگاه بهائیان است.

عکسی از حضرت عبدالبهاء



اتحاد بهائیان



ترویج اتحاد و یگانگی در عالم مستلزم آن است که پیروان امر بهائی در بین خود متحد و متفق باشند. اتحاد در جامعه بهائی بواسطه آثار نازله از قلم ملهم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء تضمین گشته است. در آن آثار مقصد از ظهور حضرت بهاءالله و طرز اداره امور جامعه بین‌المللی بهائی معین شده و در تمام مدت قرن پرماجرای اول بهائی آثار مذکور جامعه بهائی را از اینکه به شعبه‌ها و فرقه‌های مختلفی تجزیه گردد حفظ و حراست نمود و آن جامعه را امکان بخشید که با مقتضیات تمدنی که بسرعت در حال تکوین بود خود را مطابق دهد. دو مؤسسه بزرگی که مرجع و صاحب اختیار جامعه‌اند یکی مؤسسه ولایت امرالله است و دیگری بیت العدل اعظم

«همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار»

ولایت امر

حضرت عبدالبهاء در وصیت‌نامه خویش موسوم به الواح وصایا نوه ارشد خود، شوقی افندی ربانی را ولی امر و مبین تعالیم بهائی تعیین فرمودند. حضرت شوقی افندی در مقام ولی امر بهائی در سال ۱۹۵۷ عالم خاک را وداع گفتند. ایشان در طی سی و شش سال بسیاری از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را به انگلیسی ترجمه و تشریح نموده، تأسیس مؤسسات محلی و ملی بهائی را تشویق فرموده و انتشار افکار بهائی را در اقطار عالم تحت نقشه‌هائی منظم و مستمر رهبری کردند.

حضرت ولی‌امرالله یادگار جاودانه خود را با ایجاد تزئینات باشکوهی جهت استقرار مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس تأسیس فرمودند. بنای مقام عرش مطهر حضرت رب اعلی و ساختمان آرشیو بین‌المللی بهائی، و همچنین طراحی و تنظیم و ترتیب باغهای زیبای قصر بهجی و دامنه کوه کرمل از خلاقیت بک‌نظیر آن حضرت است.



ساختمان دارالآثار و باغهای کوه کرمل، حيفا، اسرائیل



مرقد حضرت شوقی افندی در لندن



بیت العدل اعظم



بیت العدل اعظم که حضرت بهاءالله آنرا بعنوان قوه تشریعیه امر بهائی معین فرموده در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد. این هیأت مرکب از نه نفر است که هر پنج سال یکبار از طرف جمیع اعضاء محافل ملی بهائیان جهان انتخاب میشود.



مقر بیت العدل اعظم، حیفا، اسرائیل

مقر بیت العدل اعظم، حیفا، اسرائیل

بیت العدل اعظم بتمشیت امور روحانی

و اداری جامعه بین‌المللی بهائی میپردازد و نیز بعنوان اماناء اماکن مقدسه و سایر املاک در اراضی مقدسه مأمور حفظ آنهاست. حضرت بهاءالله به بیت العدل اعظم اختیار داده است که در مواردی که کتب و آثار مقدسه بهائی ذکرشان را ننموده قوانینی تشریع نماید و این هیأت است که جامعه بهائی را در جهانی که پیوسته در تغییر است رهبری و راهنمایی میکند.

حضرت بهاءالله میفرماید: "اصل آنچه را که برای ذکر نمودیم عدل و انصاف است."^۱ و فرموده است که وسیله اصلی برای تحول جامعه و نیت صلح پایدار ایجاد عدل در جمیع شئون حیات است و «مقصود از آن (عدل) ظهور اتحاد است بین عباد.»^۲ آنچه سبب امتیاز جامعه بهائی میگردد آنست که بهائیان معتقدند که اتحاد جهان عملی و ممکن است و در راه این عقیده با اخلاص و رغبت جهد و کوشش مینمایند. بهائیان در سراسر جهان میکوشند جامعه‌هایی بر اساس همکاری و عدالت بسازند و در این راه از پشتیبانی نظام تشکیلاتی که حضرت بهاءالله بنفسه تأسیس فرموده برخوردارند.

حضرت بهاءالله تعلیم داده است که از مظاهر عملی نیروی دینی در عصر جدید آن است که عموم مردمان با هم با مشورت تصمیم بگیرند و با هم عمل کنند و تصمیم و عملشان بر اساس اصول روحانی باشد و فرموده برای آنکه مطمئن باشیم که نیروی دین وسیله اجراء عدالت گردد و حکومت خادم نیازمندیهای حقیقی عالم انسانی شود باید مقامی که اختیار تصمیم‌گیری دارد در دست هیأت‌های رسمی باشد نه در دست افراد. «در جمیع امور مشورت لازم.»^۳ «بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر.»^۴ باین ترتیب ملاحظه میکنیم که هر چند حضرت بهاءالله مانند تمام مظاهر ظهور قبل به بسط و اعلان حقائق روحانی پرداخت و اگر چه با ظهورش در عالم انسانی روحی جدید بدمید ولی علاوه بر اینها حضرت بهاءالله احکام و دستگاه سازمان و تشکیلاتی را ایجاد فرموده تا تحقق عدالت را در جمیع شئون انسانی تضمین نماید.

بهائیان معتقدند که "نظم اداری" که حضرت بهاءالله خلق فرموده و جانشینانش، حضرت عبداله‌ها و حضرت شوقی افندی، آنرا بنا نمودند طرحی را بر اساس تصمیم‌گیری توسط هیأت‌های عمومی و فعل و انفعالات اجتماعی عرضه میکند که استعدادهای معنوی و خلاق نهفته در ذات انسان را پرورش دهد و ظاهر سازد. آن طرح نمونه و الگویی بنیانی است که برای حیات جامعه در سطح جهانی لازم است و شامل تنوع و حافظ منافع متقابل است و مبنی بر شفقت و حسن اخلاق و رفتار است. از اعظم جنبه‌های نظام اداری بهائی آنست که توازنی را بین حفظ آزادی فردی و ترویج خیر عمومی نگه میدارد. حضرت ولی امرالله چنین مرقوم فرمود:



این نظم اداری اساساً با آنچه انبیای سلف وضع فرموده‌اند متفاوت است زیرا حضرت بهاءالله به نفسه اصولش را بیان و تأسیساتش را استوار و مبین کلمه‌اش را معین فرموده‌اند و به هیئتی که مأمور تکمیل و تنفیذ احکام شرعی‌اش بوده اختیارات لازم عنایت کرده‌اند.^۵

نظم اداری بهائی بر اصول انتخابی و مشورتی بی‌نظیری استوار گشته و متشکل محافل شوری است که آزادانه از طرف ملت در سطح محلی و ملی و بین‌المللی انتخاب شده‌اند. چنین سازمانی مستلزم تصمیم‌گیری در پائین‌ترین سطوح است یعنی مجال بی‌نظیری را بنحوی فراهم می‌آورد که عامه مردم عادی در امور حاکم بر خویش شرکت نمایند و در عین حال اختیارات همکاری‌هائی را تدارک می‌بینند که مساعی عموم را در سطح جهانی هم‌آهنگ نماید. حضرت بهاءالله این هیاتهای حاکمه را بیت العدل نامیده‌اند. امروز بیت العدل اعظم فعالیتهای جامعه جهانی بهائی را هدایت میکند. حضرت بهاءالله بیت العدل اعظم را بعنوان اعظم هیات قانونگزاری نظم اداری بهائی مقرر فرموده است. اعضایش بفرموده حضرت بهاءالله "امنای الهی بین بندگان" هستند.^۶ بیت العدل اعظم در اساسنامه خویش مرقوم داشته‌اند که "منشأ بیت العدل اعظم و سلطه و اختیار وظائف و دائره اقداماتش کل منبعث از آیات منزله حضرت بهاءالله است. این آیات باهرات با تبینات و توضیحات مرکز میناق و ولی امرالله که بعد از حضرت عبدالبهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه‌اند کل مجموعاً مرجع واجب الاطاعة و اس اساس بیت العدل اعظم محسوب."^۷

طبق بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء قوانینی که بیت العدل اعظم تشریع میکند همان اختیار و صلاحیت آثار مقدسه بهائی را دارد و تفاوتش در این است که بیت العدل اعظم مختار است که چون مقتضیات زمان ایجاب نماید آنچه را خود تشریع نموده تعدیل یا لغو نماید. ولیکن قوانینی که در آثار مقدسه آمده است قابل تغییر نیست. حضرت عبدالبهاء میفرماید هر امری که در آثار مقدسه نباشد «راجع بیت عدل عمومی. بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقق یابد همان حق و مرادالله است.»^۸

اداره امور بهائی در سطح محلی و ملی در حال حاضر با "محافل روحانی" محلی و ملی است. این مؤسسات انتخابی بر همان منوال و اصول مشورتی بکار می‌پردازند که معمول بیت العدل اعظم است و این محافل روحانی بالمآل به بیت العدل اعظم تبدیل می‌گردند. بهائیان معتقدند که بیت العدلهای محلی و ملی ضامن رفاه مردم‌اند اما تنها تصمیمات بیت العدل اعظم ملهم و قاطعانه مطاع است. حضرت بهاءالله فرموده است که چنین موهبتی را به بیت العدل اعظم پروردگار تواند عطا فرموده و قانونگزاری آن هیات را مصون از خطا شمرده است: «آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند. آنه یلهمهم ما یشاء و هو المدبر العليم.»^۹ حضرت بهاءالله فرموده است بدلیل آنکه «هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذا امور بوزرای بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند... ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی.»^{۱۰}

باین ترتیب بیت العدل اعظم را حضرت بهاءالله واسطه هدایت الهی قرار فرموده و نباید آنرا فقط هیات بین‌المللی اداری بهائی انگاشت. حضرت عبدالبهاء نیز تأیید فرموده که بیت العدل اعظم «تحت حمایت و عصمت حق است.»^{۱۱} اما باید دانست که این مواهب مختص هیات بیت العدل است نه افراد اعضاء مرگبه آن.

تشکیل بیت العدل اعظم فصل جدیدی در تاریخ امر بهائی آغاز کرد. هدایت مطاع الهی اول بواسطه مظهر ظهور (حضرت بهاءالله) و سپس بواسطه مرکز میناق (حضرت عبدالبهاء) و بعد ولی امرالله (حضرت شوقی افندی) به جهانیان واصل میشد اما پس از صعود حضرت ولی امرالله و تأسیس بیت العدل اعظم دیگر هدایت جامعه بهائی از طریق منتسبین مظهر ظهور الهی حاصل نمیشود بلکه هیاتی که افراد بهائیان خود انتخاب نموده‌اند واسطه هدایت‌اند.

رابطه بیت العدل اعظم و ارکانش که محافل محلی و ملی هستند بسیار مسأله مهمی است. بشر امروز بمرحله‌ای رسیده که در آن عقل و ادراک نیروی تازه‌ای یافته است. حضرت بهاءالله بسیار باینکه در اجتماع انسانی تصمیم‌گیری و اداره امور در سطح عامه مردم رایج شود اهمیت می‌نهند از این روی نظم اداری بهائی به محافل ملی و محلی اختیار و قدرت می‌بخشد تا فعل و انفعالات و مشارکت بین مردم مخصوصاً مردمی که در سراسر تاریخ از اداره امور خویش و تصمیم‌گیری محروم بوده‌اند صورت پذیرد و طرحی نو بوجود آید. در نتیجه



مسئولیت اجراء اصول روحانی و اجتماعی حضرت بهاءالله اساساً به محافل روحانی ملی و محلی راجع است و این هیأتها هستند که مسئولیت دارند که تحقق اصل تجدید حیات و ایجاد جامعه ای متحد و متفق را که حضرت بهاءالله اعلان فرموده تضمین نمایند. علاوه بر این این مؤسسات اداری بهائی بنا به دستور حضرت بهاءالله باید مواظبت نمایند که جامعه های بهائی مروج منافع و مطیع قوانین در محل و کشور خویش باشند. حضرت بهاءالله بتأکید بیان فرموده که همه چیز را بما وا گذاشت و فقط «قلوب را از برای خود مقرر داشت».^{۱۲} اطاعت و وفاداری از حکومت در هر کشوری که بهائیان در آن ساکنند چه در اقلیت یا اکثریت باشند واجب است و در هر کشوری که محفل ملی تشکیل شده یکی از وظائف مواظبت در اجراء اصل مهم مذکور است از این روی بیت العدل اعظم نیز بلندپایه ترین مقامی است که اطاعت جامعه های بهائی را از قوانین و احکام حضرت بهاءالله در سراسر عالم تضمین مینماید.

بیت العدل اعظم در سیال ۱۹۶۳ تشکیل شد و در آن سال اعضاء محافل ملی در سراسر جهان در محیطی مشحون از آرامش و تعمق و نیایش نه نفر را از میان تمام بهائیان عالم عضویت آن مرجع اعلی انتخاب نمودند و در نزد بهائیان تشکیل بیت العدل اعظم مانند انتصاب حضرت شوقی افندی بولایت امرالله بزرگترین واقعه تاریخی بهائی در عصری است که اهل بها آنرا "عصر تکوین" میخوانند. حتی طرز انتخابات بیت العدل اعظم بسیار فاخر و شایسته آن هیأتی است که حضرت عبدالهء آنرا «مصدر کل خیر» توصیف فرموده است.^{۱۳} طرز انتخابات بهائی اینست که نمایندگان با رأی سری به انتخاب مباشرت نمایند. پروپاگاندا و نامزد کردن انتخاباتی ممنوع است. از این راه حداکثر آزادی ممکن بھر شخصی که انتخاب میکند داده شده. از دسته بندی و قدرت طلبی که از جنبه های مشهود انتخابات سیاسی است احتراز میگردد. انتخاب بیت العدل اعظم هر پنج سال یکبار در همان فضای روحانی و از کف نفسی صورت میگردد. در آخرین انجمن شور بین المللی که در سال ۱۹۹۸ تشکیل شد نمایندگان بیش از ۱۶۰ جامعه ملی در انتخابات بیت العدل اعظم شرکت نمودند.

تشکیل بیت العدل اعظم گذشته از اهمیت اداریش نماینده امری است که جوهر آئین بهائی یعنی وحدت و یگانگی است. زیرا ایمان به تنهائی هر چند هم که محکم و با حسن نیت باشد قادر نیست که اتحاد یک جامعه دینی را تأمین نماید. تشکیل بیت العدل اعظم بعنوان صاحب اختیار و راهنمای جمیع امور جامعه بهائی معنایش این بود که وحدت دین بهائی مخصوصاً در قرن اول پیدایشش محفوظ ماند، چنانکه در تاریخ ادیان دیده شده هر دینی در قرن اولش بسیار آسیب پذیر است و در آن زمان است که فرقه های مختلف در ادیان ریشه دوانده است. بیت العدل اعظم کمی پس از تشکیلش در سال ۱۹۶۳ مرقوم داشت "عهد و میثاق حضرت بهاءالله از هم نگسسته و از قدرت عالمگیرش نکاسته است... هدایت الهیه که سبب انعطاف پذیری در جمیع امور بشری است همچنان در مجرای تشکیلات و مؤسساتش که آن را حضرت بهاءالله خلق و به آن اختیار کامل و هدایت حتمیه عطا، جاری است..."^{۱۴} باین ترتیب در نظر بهائیان وعده محتوم حضرت بهاءالله برآورده شده: "خداوند امرش را بر بنیادی ثابت و راسخ بنا نهاد که با تندبادهای عالم و اشارات امم متزلزل نگردد."^{۱۵}

بیت العدل اعظم که تارک نظم اداری بهائی است میراثی که باو رسیده از راههای گوناگون محافظت مینماید مانند: ترویج "همت در تحسین اخلاق و اتصاف بصفات و کمالات رحمانیه است که ما به الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بهائی است؛ حفظ آثار و آیات مقدسه از "تصرف و تحریف؛" دفاع و حمایت از جامعه بهائی و آزادیش از "قیود مقهوریت و مظلومیت؛" حراست و توسعه مرکز جهانی روحانی و اداری امر بهائی؛ و محافظت "حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی افراد."^{۱۶} بیت العدل اعظم نیز موظف است که امر بهائی را با "مقتضیات زمان" رو بترقی انسانی منطبق سازد و از این روی اختیار وضع قوانینی که در آثار مقدسه بهائی نباشد به او محول گشته است.^{۱۷} تشریع قوانین در امر بهائی در نامه ای از طرف بیت العدل اعظم چنین بیان شده است: "در ادوار [ادیان] گذشته تمایل بشیر چنان بود که برای هر سؤالی جواب گیرند و در جزئیات امور عقیدتی و عملی مقید به آن تفصیل گردند. اما در دور بهائی از آغاز ظهور حضرت بهاءالله چنین بوده است که اصول کلی را بیان نمایند، جزئیات اساسی و لازم را که بر همه اطاعتش لازم است معین سازند. اما قسمت بزرگی از تفصیل را به وجدان افراد مؤمنان واگذارند. در امور اداری و تشکیلاتی نیز کاربر همان منوال است."^{۱۸}

حضرت بهاءالله بیت العدل اعظم را مکلف ساخته که علاوه بر مسئولیتی که در هدایت جامعه بهائی برای توسعه و پیشرفت دارد نیز باید در تأمین رفاه عمومی عالم انسانی نفوذ مثبتی داشته باشد و بترویج صلح پایدار در میان کشورهای جهان پردازد «تا عالم از مصارف باهظه فارغ و آزاد شود» و مردم از «محرابه و مجادله» که «اس



زحمت و مشقت است» رھائی یابند.^{۱۹} و نیز بیت العدل اعظم باید «در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند.»^{۲۰} طبق این دستورهای مؤکد حضرت بهاءالله، بیت العدل اعظم بتأکید نهضتی را برای ترویج صلح جهانی براه انداخت و اقدامات متنوعی را در موضوعهای حقوق بشر و ترقی زنان و رفاه اجتماعی و اقتصادی برانگیخت. در سال ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم در پیامی بعنوان "نوید صلح جهانی" خطاب به "مردم جهان" که به سران جمیع کشورها ارسال شد رئیس مطالبی را که لازمه ضروری تأسیس صلح و رفاه عمومی است مرقوم داشت.

چنانکه حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده بود، مقر بیت العدل اعظم درکوه کرمل در حیفا در جوار مقام اعلی و مزار حضرت بهاءالله استقرار یافت.

یادداشتها

۱. حضرت بهاءالله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی کہ بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنہاين: لجنہ نشر آثار، ۱۹۸۰)، ص ۹۴.
۲. الواح بعد از اقدس، ص ۳۶.
۳. مجموعه آثار قلم اعلی، ص ۳۰۲.
۴. حضرت بهاءالله، نقل شده در وعده صلح جهانی، ترجمہ بیانہ بیت العدل اعظم خطاب باہل عالم، (ويلمٹ: دارالانشاء محفل روحانی ملی بہائیان ایالات متحدہ، ۱۹۸۵)، ص ۲۴.
۵. شوقی ربانی، دور بہائی (لانگنہاين: لجنہ نشر آثار، نشر سوم، ۱۹۸۸)، ترجمہ لجنہ ملی ترجمہ آثار امری، صص ۷۲-۷۳.
۶. الواح بعد از اقدس، ص ۷۵.
۷. بیت العدل اعظم، ترجمہ قانون اساسی بیت العدل اعظم، ص ۳.
۸. حضرت عبدالہاء، الواح وصایای مبارکہ حضرت عبدالہاء (کراچی: محفل روحانی ملی بہائیان پاکستان، ۱۹۶۰)، ص ۲۱.
۹. الواح بعد از اقدس، ص ۳۷.
۱۰. الواح بعد از اقدس، ص ۱۴.
۱۱. حضرت عبدالہاء، مفاوضات عبدالہاء (دہلی نو: محفل روحانی ملی بہائیان ہندوستان، ۱۹۸۳)، ص ۱۲۰.
۱۲. الواح بعد از اقدس، ص ۱۳۵.
۱۳. الواح وصایا، ص ۱۵.
۱۴. Wilmette: Bahá'í Publishing Trust,) Wellspring of Guidance ,Universal House of Justice (1969), p. 13 (ترجمہ)
۱۵. مآخذ اصل بیان بعربی: دور بہائی، ص ۲۲.
۱۶. ترجمہ قانون اساسی بیت العدل اعظم، صص ۳-۴.
۱۷. حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بہائی (دانداس: مؤسسہ معارف بہائی، ۱۹۸۹)، ترجمہ و اقتباس ہوشمند فتح اعظم، ص ۲۶.
۱۸. individual, 3 January Letter written on behalf of the Universal House of Justice to an (1982) (ترجمہ)
۱۹. الواح بعد از اقدس، ص ۵۰.
۲۰. الواح بعد از اقدس، ص ۷۳.



مرکز جهانی بهائی



اوضاع و احوال تاریخی، امر بهائی را مانند ادیان یهود و مسیحیت و اسلام با ارض اقدس ارتباط داده است و جامعه بهائی کمال حرمت و محبت منازل و سایر اماکنی را که با تبعید حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء رابطه یافته بصورت اولیه نگهداری میکنند.

در هر سال هزاران نفر از بهائیان از همه جای عالم به حیفا و عکا میآیند تا زیارت اماکن متبرکه نائل گردند. در هر پنج سال یکبار نیز نمایندگان جامعه‌های ملی از همه جا به حیفا میآیند تا اعضاء بیت العدل اعظم را که از نظر خود در کوه کرمل به اداره امور بین‌المللی بهائی میپردازند انتخاب نمایند.

کارمندان بیت العدل اعظم بهائیان داوطلباند که از بسیاری از کشورها برای خدمت به ناحیه حیفا و عکا دعوت میشوند و در مدتهای مختلف خدمت میکنند.

مرکز جهانی بهائی: کانون جامعه بین‌المللی

حضرت بهاءالله قبل از رحلت از این عالم اشاره فرموده که مرکز جهانی امر بهائی در ناحیه حیفا و عکا در شمال کشور اسرائیل امروز باشد. این ناحیه امروز هم مرکز روحانی و هم مرکز اداری امر بهائی است.

مرقد حضرت بهاءالله و حضرت باب در این ناحیه است. مقام اعلی، مزار حضرت باب با گنبد زرینش، بر دامن کوه کرمل نشسته و روضه مبارکه حضرت بهاءالله در طرف دیگر خلیج حیفا در خارج شهر عکا است و هر دو در میان باغهای بسیار زیبا و دلگشایی قرار دارند و در نظر همه بهائیان این دو نقطه مقدس‌ترین نقاط جهانند.



مرکز اداری امر بهائی در حیفا است و مقر بیت العدل اعظم در جوار مقام اعلی و در وسط باغهای بشکل قوس بر کوه کرمل قرار دارد. بیت العدل اعظم هیأت حاکمه امر بهائی است و از مقرش، و در اینیه نزدیکش با کارمندانش قریب به ۸۰۰ نفر از ۷۰ کشور، بادره امور جامعه بهائی عالم مشغول است. از شهر حیفا مبادله اخبار با جامعه‌های ملی و طرح اهداف و نقشه‌های بین‌المللی و نظارت بر برنامه‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی و جمع‌آوری و نگهداری آمار و اداره صندوق بین‌المللی صورت میگیرد. در همان قوس کرمل بنای دارالآثار بین‌المللی نیز جای گرفته که در آن اشیاء متبرکه و نوشته‌های مربوط به حضرت باب و حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نگهداری میشود.

در اوائل سالهای ۱۹۹۰ ساختن بناهای جدیدی که نماینده توسعه امر بهائی در سراسر عالم بود شروع گردید و در کوه کرمل حفاری برای احداث طبقات متعددی در بالا و پائین مقام اعلی و چند بنای دیگر که مرکز مؤسسات بهائی باشد آغاز شد که در خاتمه قرن بیستم به اكمال رسید.

هر سال هزاران نفر از زائرین از اطراف دنیا برای عبادت به مقامات مقدسه و زیارت اماکن متبرکه به ناحیه حیفا و عکا میآیند و زیارتشان سبب تحکیم بیشتر پیوستگی و همبستگی امر بهائی میگردد.

رفاه اجتماعی و اقتصادی

از ممتازترین خواص جامعه بهائی از لحاظ ترقیات اجتماعی و اقتصادی جنبه نظام مشورتی آن است. حضرت بهاءالله طرحی را برای تصمیم‌گیری بر اساس هم‌رأیی و توافق گروهی ابداع فرموده است و خطا نیست اگر بگوئیم هر فرد بهائی بنحوی از انحاء شاگرد مکتب مشورت است. ترقیات اجتماعی و اقتصادی در نظام بهائی اولبار در ایران آشکار شد که بهائیان آن کشور در اوائل قرن بیستم مدارس و درمانگاهها و سایر خدمات اجتماعی از جمله تأسیس اولین مدرسه دخترانه را در کشور تأسیس کردند.



مقام اعلی، حیفا، اسرائیل؛ آرامگاه جسد عنصری حضرت باب.



امروز برنامه‌های رفاه مخصوصاً در آسیا و امریکای لاتین و افریقا بسیار متعدد است و شامل مدارس درمانگاهها، کلاسهای بهداشت، برنامه‌های کشاورزی، جنگل بانی، ترک اعتیاد الکلی و خوابگاههای کودکان است و رادیوهای بهائی با برنامه‌های خدمات اجتماعی خویش نه تنها از لحاظ عملی به برنامه‌های مذکور کمک میکنند بلکه فرهنگ بومیان را نیز حرمت و ترویج مینمایند. برنامه‌های رفاه بهائی را محافل روحانی محلی پیشنهاد میکنند و از این راه برنامه‌های مذکور بر اساس شرکت عامه مردم در هر محل طرح میشود و از این راه میتوان سر موفقیت این برنامه‌ها را که بر پای خود ایستاده‌اند دریافت.

یک مدرسه بهائی در پاناما

حضرت بهاءالله میفرماید که انسان برای پیش بردن تمدن مترقی خلق شده است. دیدگاه بهائی نسبت بآینده چنین است که یک جامعه جهانی در صلح و آرامش بوجود آید که افراد و مجتمعاتش در رفاه و آسایش زیست نمایند و در محیطی که جامعه بسیار نگران تحولات اخلاقی و روحانی است برنامه‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی از جمله وسائلی است که بهائیان برای تحقق آمال مذکور بکار میبرند.

جامعه جهانی بهائی که یک واحد مرکب زنده و پویانده (organic) است از پیرومندی هائی که امروز متداول است مثلاً جهان را به جهان شمال و جهان جنوب تقسیم میکنند پا فراتر می نهند و برنامه های رفاه اجتماعی و اقتصادی بهائی در همه جا صرف نظر از درجات ترقیات مادی هر کشور اعمال میگردد زیرا بهائیان میکوشند که تعالیم حضرت بهاءالله را بر سیر تدریجی بنای تمدنی نوین انطباق بخشند و هر فرد بهائی بالقوه در این مسیر سهمی دارد.

باین ترتیب مساعی بهائی در میدان رفاه اقتصادی و اجتماعی معمولاً بر اساس ابتکارات عامه مردم ساکن در هر دهکده و شهر صورت میگیرد و چون هر یک از این برنامه ها به رشد لازم برسند تشکیلات اداری دائمی را برای خود ایجاد خواهند کرد. اما تعداد کمی از آن برنامه ها را میتوان با وسعت برنامه های پیچیده ای که سازمانهای دولتی و بین المللی با امکانات و سرمایه خود ایجاد کردند مقایسه نمود.



با وجود این برنامه های بهائی امتیازش در روش و اصول برنامه های رفاهی است که در سراسر جهان بهائیان بکار گرفته‌اند نه در وسعت آن برنامه ها. فی الحقیقه برنامه های اقتصادی و اجتماعی بهائی بیان دیگری است از اینکه چگونه ایمان در عمل نمودار میشود و ابتکارات برنامه های رفاه بهائی چنان طرح شده که تمام مردم را نفع رساند نه فقط بهائیان را. در کانون برنامه های رفاه



مرکز عمرانی و رفاهی مغولستان - مؤسسه ای که با الهام از تعالیم بهائی سازمان یافته - کلاسهای آموزشی در رشته بهداشت و تغذیه و همچنین کشت نباتات ضروری ارائه میدهد.

در یک کلاس سوادآموزی که توسط جامعه بهائی برزیل سازمان یافته، یکی از دانش آموزان مشغول خواندن شعری است که خود او سروده است.



بهائی این اصل نهفته است که بین جنبه های روحانی و عملی زندگانی بشر رابطه ای ناگسستنی موجود است زیرا آرزوی بهتر ساختن جامعه و اطمینان باینکه آن آرزو برآوردنی است ناچار در اثر بیداری روح انسانی حاصل میشود و در عین حال که روشهای عملی در حل مشکلات کلید موفقیت در ابتکارات رفاهی است ولی آنچه ما را بر قیام بر خدمات اجتماعی برمیانگیزد آبیاری ریشه روحانی بشری است که قوای ضروری را برای کسب موفقیت در ترقیات حقیقی جامعه بشری احداث میکند.

بهائیان معتقدند که ترقی و پیشرفت فرد و جامعه هم به شعله وجدانی روحانی نیازمند است و هم به فانوس منابع مادی - ترقی مادی بخودی خود هدف شمرده نمیشود بلکه وسیله ای است برای ترقی اخلاقی و روحانی و اجتماعی.

معنای تغییر و دگرگونی آن نیست که فقط مهارت و تجربه فنی بدست آوریم بلکه مهمتر از آن ترقی کیفیات و صفات و رفتاری است که طرحهایی را برای مبادلات و فعل و انفعالات انسانی می آفریند.

بهائیان در دهکده ها و شهرهایی در اطراف جهان سعیشان بر این است که طرحی از حیات ارائه دهند که در آن امتزاج شئون روحانی و عملی مجسم شده باشد. چنین مفهومی از برنامه های رفاه اجتماعی مستلزم ایجاد جامعه هایی است که در آن موازن روحانی از قبیل عدل و امانت و سخاوت سبب افزایش رفاه مادی کرده و افزایش منابع و ترقی مادی بنوبه خود سبب شود که مساعی روحانی جدیدی در همبستگی و وحدت جامعه هایی در داخل و خارج امر بهائی مبذول گردد. حضرت بهاء الله "ترقیات عالم و مقامات امم" و آسایش عباد و صلح در جمیع بلاد را از جمله احکام و اصول الهی شمرده اند.

آنان که در میدان رفاه اجتماعی خدمت میکنند باین نتیجه رسیده اند که ایجاد و انتشار معرفت و دانش اساس و پایه ترقی اجتماعی است و تجاری را که بهائیان در این زمینه داشته اند مؤید آن مطلب است بنابراین برنامه رفاه اجتماعی و اقتصادی بهائی بر افزودن استعداد افراد و جامعه ها و مؤسسات تکیه دارد که همه آنها باید قدم بردارند و در راه رفاه روحانی و مادی خویش بکوشند. این مسیر بالا بردن استعدادهای مستلزم فعالیتهای جهانی برای آموختن است که در آن بهائیان تقریباً از تمام اقوام و از درجات مختلف فرهنگی مشغولند تا روشهای علوم و اخلاقیات و روحانیات را که در تعالیم بهائی مدون است بر اوضاع و شرایط مخصوص محل خود منطبق گردانند. این اقدامات مربوط به عمل و سنجش و تعدیلهائی است که بوسیله آنها جامعه های محلی بتدریج توانائی تشخیص و تجربه و تحلیلشان افزایش یافته بر مقابله حوائج و نیازهای خویش توانا خواهند شد.



یک پروژه درخت کاری توسط دانش آموزان مدرسه بهائی ربانی در نزدیکی شهر گوالیور، هندوستان.

فعالیتهای بهائیان در میدان رفاه بر اساس تصمیم گیری گروهی و اجراء گروهی از مردم عادی یک ناحیه بوده است و مشورت با تمام افراد جامعه راز موفقیت برنامه های رفاهی بهائی است. بکار بردن روش مشورتی غالباً سبب میشود که راه حل های نوینی برای حل مشکل جامعه و تعدیل بهتر توزیع منابع هر محل گردد و علاوه بر آن افرادی از آن جامعه را از قبیل زنان و اقلیتها که بنا به سنتهای تاریخی همیشه از شرکت در مرحله تصمیم گیری محروم بوده اند تشویق و ترغیب به مشارکت مینماید. تجربه ثابت کرده است که مشورت از وسایل ضروری است که جامعه را برای تولید برنامه های پایدار و تعدیل شده ای در اقداماتش برمیانگیزد و او را در خودکفائی و بالا بردن سطح زندگی مساعدت میکند.

امری که از خود برنامه ها و اجرائیش برای وصول با اهداف معینه بسیار مهمتر است تجهیز کردن مردم است که دست بدست هم دهند و پا روشی نوین و باتفاق باجاء طرحی بپردازند. از نظر آئین بهائی سرچشمه قابلیت و استعدادهایی که

برای بافت اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی حیات جامعه لازم است باید هم از قلب و هم از مغز انسان باشد. با امتزاج کامل اصول روحانی در برنامه های رفاهی آراء و شئون عملی و ارزشهایی پدیدار میگردد که سبب ترویج اعتماد به نفس و حفظ کرامت انسانی میشود. باین ترتیب برنامه ها از نیاز به غیر رهائی مییابد. حضرت بهاء الله میفرماید: "انسان را بمثابة معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما" و میفرماید مقصد افراد و جامعه باید چنان باشد تا اموری را که تدبیر کند که با آن بتواند جواهر و "احجار کریمه" را که در انسان مستور است استخراج



نماید و هر چه افراد انسان بیشتر استعداد درونی خود را پرورش دهد جامعه آنان نیز تحوّل میپذیرد و مسیر "اصلاح عالم" نیز سرعتی بیشتر مییابد.

از این روی جامعه بهائی امیدوار است که کوششهای مختصر کنونی اش در راه رفاه اجتماعی و اقتصادی الگوئی را برای پرورش استعدادها که به پیشرفت معنوی و مادی منجر خواهد شد مقابل انظار جهانیان بگذارد.

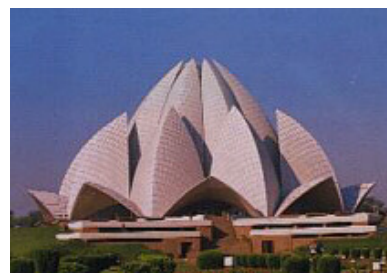
مشرق الاذکارهای بهائی



عبادتگاهها یا مشرق الاذکارهای بهائی به روی همه مردم باز است. هرچند از نظر هندسی هریک از بناها با یکدیگر مختلف هستند ولی از لحاظ معماری یک اصول کلی در آنها مراعات میشود- همه دارای ۹ طرف و یک تالار مرکزی گنبد مانند هستند، که همزمان از وحدت ذاتی نوع بشر و تنوع و گونه گونی آن حکایت میکند. برنامه های عبادتی ساده و متشکل از دعا و مناجات و تلاوت منتخباتی از آثار بهائی و کتب مقدسه ادیان مختلف جهان است. موسیقی تنها بوسیله گروه کر و بدون ساز اجرا می‌گردد.

مشرق الاذکار بهائی، آپیا، ساموآ غربی

همانطور
که
حضرت
بهاءالله
مطرح



مشرق الاذکار بهائی، دهلی نو، هندوستان



سیدنی، استرالیا مشرق الاذکار
بهائی،